



حکمرانی مردمی

نیاید به ویژه خواری منجر شود

بایک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همایش ملی «بررسی موانع مشارکت عمومی و ارائه راهکارهایی برای ارتقای نقش مردم در حکمرانی» گفت: یکی از راه‌های شناخت و احصای ابعاد حکمرانی مردمی، توجه به مفاهیم اضدادی و بنیادهای هنجاری حکمرانی مردمی است؛ از طریق تأمل پیرامون مفاهیم مقابل، هم مردمی بودن را فهم نموده و هم از همین مسیر بنیادهای هنجاری را احصا و شمارش نماییم.

■ **حکمرانی مردمی نباید دولت محور و دولت سالار باشد**

نگاهداری با اشاره به اهمیت بنیادها در حوزه مشارکت عمومی گفت: حکمرانی نباید دولت محور و دولت سالار باشد؛ مقصود از دولت‌سالاری آن است که اولویت در پرداختن به هر امری از مسیر مدیریت متمرکز و در دامن بروکراسی سلسله مراتبی صورت یابد. وی افزود: دولت‌سالاری جایابی اجتماعی خیراتی چون ثروت‌ها، فرصت‌ها، شئون اجتماعی و حتی دانش و اطلاعات را بر مدار قدرت انجام می‌دهد، البته در این نگاه قدرت در اشکال عام آن مد نظر نیست، بلکه آنچه عنصر تعیین‌کننده بوده و اشکال دیگر قدرت نیز ذیل آن معنا می‌یابند، قدرت سیاسی است. عنصر اساسی در دولت‌سالاری آن است که هر چیزی به میزان ضرب قدرت سیاسی در آن قابل توجه بوده و اهمیت خواهد یافت. در این نگاه بر خورداری از مواهب اجتماعی نسبت مستقیمی با دوری و نزدیکی به هم قدرت دارد. اولویت‌بندی میان مسائل و نیازهای جامعه نیز تابعی از نزدیکی و دوری مسائل و دولتمردان خواهد بود. حتی مقبولیت علم نیز در این معنا وابسته به حمایت قدرت سیاسی از آن است. به عبارتی قدرت سیاسی روایت خود از موضوعات را علمی دانسته و هر آنچه با این روایت همگن و هم‌راستا نباشد، در حاشیه علم قرار خواهد گرفت.

■ **حکمرانی مردمی نباید مقوم سرمایه‌سالاری شود**

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه حکمرانی مردمی نباید مقوم سرمایه‌سالاری شود، تصریح کرد: برخلاف دولت‌سالاری که در آن موضوعات و اشخاص با ضرب شدن در مفهوم قدرت موضوعیت یا شخصیت می‌یافتند، در مفهوم سرمایه‌سالاری، ثروت مدار و محور اصلی بوده و سایر عناصر اجتماعی بر اساس آن جایابی و اولویت‌بندی می‌شوند. وی ادامه داد: مقصود از سرمایه‌سالاری آن است که همه چیز، چه در حوزه اقتصادی، چه در حوزه سیاسی و چه در حوزه‌های فرهنگی به خواست و اراده سرمایه‌داران بازگشت کند. سلیقه و علایق آنها حاکم بر سرنوشت ملت شده و شعاع قدرت، اختیار و آزادی افراد در جامعه وابسته به میزان ثروت و دارایی افراد گردد. در واقع نباید ذی نفع در فرآیندهای تصمیم‌گیری طبقه‌ای معنا شود و اصل ذی نفع عمومی همواره اولویت داشته باشد. البته نباید در این مفهوم بخش خصوصی را مصداق سرمایه‌سالاری دانست. همچنان‌که دولت می‌تواند مردمی یا غیرمردمی و سرمایه‌سالار باشد، بخش خصوصی نیز می‌تواند مردمی باشد یا تبدیل به عنصری غیر مردمی

و سرمایه‌سالار شود. نگاهداری خاطر نشان کرد: اگر بخش خصوصی به مدد ثروت و سرمایه طبقه‌های معنا شود و اصل ذی نفع عمومی همواره اولویت داشته باشد، البته نباید در این مفهوم بخش خصوصی را مصداق سرمایه‌سالاری دانست. همچنان‌که دولت می‌تواند مردمی یا غیرمردمی و سرمایه‌سالار باشد، بخش خصوصی نیز می‌تواند مردمی یا غیرمردمی و سرمایه‌سالار شود

نگاهداری خاطر نشان کرد: اگر بخش خصوصی به مدد ثروت و سرمایه خواسته‌ها، سلیق، نیازها و ایده‌های خود را بر حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تحمیل نماید و به مدد ثروت اولویت‌بندی موضوعات اجتماعی را تغییر دهد، از حوزه مردمی خارج شده و مصداقی از سرمایه‌سالاری خواهد بود. در این معنا هر میزان که یک سیاست یا یک سیاستمدار به قدر مستضعف جامعه نزدیک بوده و در حمایت از آنها و برای رفع نیازهای آنها حرکت شود، آن را مردمی تر می‌توان دانست.

■ **حکمرانی نباید به گونه‌ای باشد که استقالت به مخاطره بیفتند**

نگاهداری با تأکید بر مردمی بودن حکمرانی اظهار کرد: حکمرانی نباید

به گونه‌ای باشد که استقلال به مخاطره افتاده و وابستگی به غیر ایجاد شود؛ مردمی بودن مفهومی خود اتکاست و هر نوع وابستگی آن را از مردمی بودن خارج می‌نماید. وابستگی منجر به آن خواهد شد که احوالات و سرنوشت جامعه تابعی از اراده عناصر غیر مردمی باشد و در مسیری خلاف منافع مردم به حرکت درآید. به عنوان مثال پذیرش ساختارهای نظام سلطه در نهایت به هضم شدن اقتصاد کشور در جهان بدل می‌کند که در تقسیم کار بین‌المللی، ثناتی جز خدمت رسانی به طبقه‌ای خاص از ثروتمندان جهانی و شرکت‌های چند ملیتی صهیونیستی که عمدتاً متعلق به کشورهای معینی هستند، نخواهد داشت. در این وضعیت اگر آن کشور بخواهد اراده‌ای خلاف منافع مستکبران از خود نمایش دهد، به‌واسطه عمق وابستگی خود یا با حربه تحریم مواجه شده یا از اقتصاد جهان حذف خواهد شد. در این معنا مردمی بودن را خودمختاری و استقلال می‌توان عین دانست.

■ **هر گونه انحصار خلاف جهت حکمرانی مردمی است**

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس با بیان اینکه وابستگی می‌تواند اشکال گوناگون داشته باشد، گفت: وابستگی می‌تواند در شکل وابسته بودن به اراده یک یا چند کشور اجنبی خود را نمایش دهد. وابستگی می‌تواند در شکل وابستگی به یک فرد یا یک شرکت داخلی خود را نمایش دهد. در این شکل از وابستگی یک فرد یا یک شرکت قدرت انحصاری در بخشی از جامعه به‌واسطه وابستگی به نفت صادره شده است. خود را بر اراده و منافع عموم مردم تحمیل نماید. با این تعریف باید گفت هر گونه انحصار در یک کشور، حرکت در خلاف جهت حکمرانی مردمی است و باید با آن مقابله شود. همچنین وابستگی می‌تواند در شکل وابسته بودن به یک محصول یا کالای خاص خود را نمایش دهد. به عنوان مثال وقتی اقتصاد یک کشور یا بودجه عمومی یک دولت به میزان زیادی متأثر از تحولات و تغییرات بازار نفت باشد، نمی‌توان این اقتصاد را یک اقتصاد مردمی دانست، چراکه بخش عمده‌ای از اراده و خواست این جامعه به‌واسطه وابستگی به نفت صادره شده است. مقصود از صادره آن است که نفت و بازار آن به سادگی و در سطحی معنادار می‌تواند اقتضات خود را بر تصمیمات جامعه و اراده حاکم بر آن تحمیل و آن را حتی ووت کند.

مردمی‌سازی اقتصاد یکی از الزامات قانونی با استناد به قانون اجرای موانع مشارکت کلی اصل ۴۴ اساسی و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است، اما شوربختانه به‌واسطه ضعف دولت‌ها در پیگیری موضوع و همچنین اثر گذاری شدید مافیای نظام سرمایه‌داری در ساخت‌های مختلف اقتصاد مانع از تحقق آن شده

است. مردمی‌سازی اقتصاد از جهانی با خصوصی‌سازی متفاوت است؛ در خصوصی‌سازی می‌شود اقتصاد خصوصی یا بازگیری گروهی اندک منتفع از رانت داشت ولی در مردمی‌سازی اقتصاد خیری از رانت و گروه‌سالاری وجود ندارد، بلکه اقتصاد مبتنی بر رقابت شکل می‌گیرد وای بسا مردم با تلاش خود گلوگاه‌های را که بخش خصوصی ممکن است از طریق آن از حاکمیت باج‌خواهی کند، مرتفع ساخته و جایگزین مناسبی برای آن باشند. شاید به این دلایل است که مافیای نظام سرمایه‌داری و حتی مسئولان مختلف درگیر «تعارض منافع»، مانع مردمی‌سازی اقتصاد می‌شوند.

و حید شقاقی شهری، کارشناس اقتصادی به «جوان» می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین مسائل قابل طرح در اقتصاد، مشارکت آحاد مردم در اقتصاد است. اولین سیاست، اقتصاد مقاومتی، جلب

مشارکت مردم در اقتصاد است، یعنی بنیادول سیاست‌های

کلی اقتصاد مقاومتی هم همین مسئله است. بارها نیز رهبری نسبت به این مسئله تأکید داشتند. حتی در سخنرانی نوروزی امسال با مردم بر «لزم مشارکت مردم در اقتصاد» تأکید کردند.»

این کارشناس اقتصادی می‌گوید: «مشارکت مردم در اقتصاد را می‌توان اقتصاد مردمی یا مردمی شدن اقتصاد نامید. این مشارکت با خصوصی‌سازی در اقتصاد تفاوت دارد، به طوری که ممکن است در اقتصادی بخش خصوصی وجود داشته باشد، اما بخش خصوصی که انحصاری در اقتصاد دارد و دارای رویکرد رقابتی نیست، یعنی بخش خصوصی حضور دارد اما در اقتصاد مردمی، حضور فعالانه مردم بسیار حائز اهمیت است.»

شقاقی شهری عنوان می‌کند: «اقتصاد بدون وجود بخش خصوصی بزرگ ممکن نیست اما زنجیره‌های بین کسب و کارهای خرد، کوچک و متوسط با بخش خصوصی بزرگ وجود دارد و او وظیفه‌ی مردم بسیار حائز اهمیت است.»

استفاده از ظرفیت مشارکت مردم در اقتصاد به دلیل فقدان برنامه در این حوزه بوده است. البته قرار بود در حوزه سهام عدالت و آزادسازی آن، شرکت‌های سرمایه‌گذاری خصوصی این وظیفه را ایفا کنند که متأسفانه مسیر بیراهه‌ای را طی کرده و متوقف شدند.»

شقاقی شهری عنوان می‌کند: «دلایل دیگر این بود که فاقد برنامه برای توسعه کسب و کارهای خرد، متوسط و کوچک بودیم و بخش تعاون نیز برنامه روشنی نداشت، بنابراین به تمام ارکان لازم به منظور حضور مردم در اقتصاد توجه کافی نشده بود و در کنار آن نیز محیط کسب و کار هم محیط مناسبی نبود.»

وی می‌افزاید: «فضای نامناسب تولیدی در اقتصاد ایران، محیط کسب و کار نامناسب در کنار اهتمام نداشتن به توسعه بخش تعاون و کسب و کارهای خرد، کوچک و متوسط، عدم اتصال این بنگاه‌های کوچک به بنگاه‌های

بزرگ و رها شدن بنگاه‌های کوچک و متوسط مانع از توسعه و رشد آنها شده و در نتیجه زنجیره تولید بین بنگاه‌های کوچک و متوسط با بنگاه‌های بزرگ شکل نگرفته است.»

این کارشناس اقتصادی اظهار می‌کند: «نسبت به بخش خصوصی هم کم کاری شده است و بیشتر اقتصاد در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ هم به سمت شبه دولتی‌ها سوق پیدا کرده و در نهایت بخش خصوصی رقابتی هم شکل نگرفته است. بنابراین فضا و محیط کلان اقتصاد برای حضور فعالانه مردم فراهم نیست و هم زنجیره‌ها و هم ارکان اقتصاد مردمی شکل نگرفته است و همچنان در بنیادول سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، یعنی حضور فعال مردم در اقتصاد دچار انفعال و ضعف هستیم.»

■ **ابعاد مشارکت مردم در اقتصاد**

سید مرتضی افقه، کارشناس مسائل اقتصادی و دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز به «جوان» می‌گوید: «مشارکت مردم در نظام اقتصادی از دو منظر یعنی در بخش تولید و

مصرف قابل طرح و بررسی است. مشارکت حداکثری مردم در بخش تولید و مصرف منوط به دو پیش‌نیاز وجود سرمایه اجتماعی بالا و ثبات در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... کشور است.» وی می‌افزاید: «پیش‌نیاز نخست وجود سرمایه اجتماعی بالا یعنی اعتماد متقابل بین حکمرانان و مردم است و دوم اینکه مردم در بخش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تکنینی ثبات را مشاهده کنند تا نسبت به آینده برنامه‌ریزی کنند و مانده‌ای که بی‌ثباتی در تمامی ابعاد مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، قانونی و سیاسی وجود داشته باشد، امکان تصمیم‌گیری و مشارکت در بخش تولید و مصرف از سوی مردم ممکن

«جوان» در گفت‌وگو با کارشناسان دلایل ناکامی مردمی‌سازی اقتصاد را بررسی می‌کند

مافیا «برنامه» مردمی‌سازی اقتصاد را می‌سوزاند!



نخواهد بود.» این اقتصاددان اظهار می‌دارد: «اگر بپذیریم که باید سرمایه اجتماعی بالا و ثبات در ابعاد مختلف وجود داشته باشد امکان‌تون متأسفانه به دلیل بالا نبودن سرمایه اجتماعی، زمینه مشارکت مردم در نظام اقتصادی پایین و نزدیک به صفر شده است. در شرایط کنونی با توجه به تداوم تحریم‌ها و برخی تنش‌ها، ثباتی در مدیریت‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها و قوانین مشاهده نمی‌شود و اینکه در شرایط بی‌ثباتی از مردم انتظار داشته باشیم در فرآیندهای توسعه‌ای یا سیاست‌ها و تصمیمات دولتی برای پیشرفت مشارکت کنند، امری دشوار است.»

افقه ادامه می‌دهد: «دلایل کاهش سرمایه اجتماعی به خود دولت و حاکمیت باز می‌گردد، در سال‌های اخیر سلیق اکثریت مردم با حکمرانان با زاویه بسیاری همراه بوده که نشان از به حداقل رسیدن سرمایه اجتماعی بوده است و افزون بر آن وعده‌های بسیاری از سوی دولت و به ویژه دولت کنونی مطرح شده که تحقق نیافتن آن کاهش اعتماد مردم نسبت به تصمیمات را به دنبال داشته است و در چنین شرایطی نباید انتظار مشارکت مردم در بخش مصرف و تولید را داشته باشیم.»

مشارکت مردم در اقتصاد را می‌توان اقتصاد مردمی یا مردمی شدن اقتصاد نامید. این مشارکت با خصوصی‌سازی در اقتصاد تفاوت دارد، به طوری که ممکن است در اقتصاد مردمی بخش خصوصی وجود داشته باشد اما بخش خصوصی که انحصاری در اقتصاد دارد و در بخش تولید و مصرف قابل طرح و بررسی است. مشارکت حداکثری مردم در بخش تولید و مصرف منوط به دو پیش‌نیاز وجود سرمایه اجتماعی بالا و ثبات در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... کشور است.» وی می‌افزاید: «پیش‌نیاز نخست وجود سرمایه اجتماعی بالا یعنی اعتماد متقابل بین حکمرانان و مردم است و دوم اینکه مردم در بخش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تکنینی ثبات را مشاهده کنند تا نسبت به آینده برنامه‌ریزی کنند و مانده‌ای که بی‌ثباتی در تمامی ابعاد مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، قانونی و سیاسی وجود داشته باشد، امکان تصمیم‌گیری و مشارکت در بخش تولید و مصرف از سوی مردم ممکن

چگونه می‌توان اقتصاد را مردمی کرد؟

مردم باید عاملیت، مدیریت و مالکیت داشته باشند



از الگوی اقتصاد مقاومتی است

و باید به عنوان لایحه در مسیر تصویب قرار گیرد.

مدیر گروه اقتصاد پژوهشگاه گفت: خلق پول توسط بانک‌های خصوصی، بنگاهداری بانک‌های خصوصی، رباخواری و سوری‌سازی، عدالت محوری و توزیع عادلانه ثروت و اموری از این قبیل خط قرمزهای ما در عرصه اقتصاد مقاومتی هستند

■ **طراحی نقشه راه تشکل‌های مردم بنیان**

یوسفی با اشاره به فعالیت‌های مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی در محور مردمی تصریح کرد: بنا توجه به اتفاقات سال ۹۶ و ۹۷ ضمن دیدن با

تأکید فرمودند و ایشان در بیانات خود بارها زوایای مختلف از این موضوع را برای مسئولان نیز تبیین کردند.»

وی بیان می‌کند: «با گذشت بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب، ایران شاهد دستاوردها و پیشرفت‌های خوبی بوده است، اما از طرفی با مشکلات و چالش‌های اقتصادی بسیاری روبه‌رو بوده و این مسئله اهرم فشار را برای قدرت‌های استکباری فراهم ساخته است، به طوری که هر بار تحریر در صدد ضربه زدن بر ایران اسلامی بوده‌اند، از این رو باید با عملی کردن الگوی اقتصاد مقاومتی این اهرم‌های فشار را کنار زد.»

این کارشناس اقتصادی یکی از مهم‌ترین اصول اقتصاد مقاومتی را مردمی کردن اقتصاد برشمرد و گفت: «اگر مردمی کردن اقتصاد به نحو درست و بر اساس تفسیر رهبری تبیین، پیگیری و الگوسازی نشود، امکان تحقق سایر مؤلفه‌ها وجود ندارد.»

نجفی قدسی می‌افزاید: «یکی از خروجی‌های مردمی‌سازی اقتصاد این است که مردم احساس کنند در حوزه اقتصادی متولی هستند، چراکه «اقتصاد مردمی» اقتصادی است که در آن امکان نقش‌آفرینی وسیع، شفاف و تبعیض‌ناپذیر آحاد مردم یک جامعه متناسب با توانمندی هر یک از آنها را در راستای خلق ارزش اقتصادی و پیشرفت جامعه فراهم می‌آورد.»

این کارشناس اقتصادی در ادامه به مافیای اقتصادی نظام سرمایه‌داری به عنوان عامل بازدارنده در مشارکت مردم در اقتصاد اشاره می‌کند و می‌گوید: «مافیای اقتصادی

محصول سوءمدیریت در رفتار سازمانی و تفکر اقتصادی غلط دولت‌هاست که اساساً زمینه فساد را در آن اقتصاد

شکل می‌دهد و سازمان‌های مافیایی می‌توانند نقش بسزایی را در این اقتصادها بازی کنند. در دو دولت گذشته تفکر نظام سرمایه‌داری حاکم بود و تیم اقتصادی دولت هم مروج لیبرال سرنسرمایه‌داری بود، به طوری که رسیدن تورم به نقطه‌ای بی‌سابقه و تضعیف روز به روز اقتصاد ایران را در پی داشت.»

وی می‌گوید: «امروزه رشد و توسعه پایدار یک کشور در همه عرصه‌های داخلی و بین‌المللی جدای از برنامه‌ریزی‌های کلان دولتمردان، در گرو مشارکت و نقش مردم در تحقق سیاست‌های اقتصادی است، موضوعی که امروزه در چین قابل مشاهده است به گونه‌ای که دولتمردان این کشور برای نقش‌مشارکتی مردم اهمیت ویژه‌ای قائل هستند. در ایران تکیه بر مردم و ایجاد بستر حضور آنها در عرصه اقتصاد حتی می‌تواند به راحتی معضل مسکن کشور را حل نماید و نیز سطح تولید، اشتغال و رفاه عمومی را افزایش دهد.»

وی تصریح می‌کند: «وظیفه حکومت برای تحقق اقتصاد مردمی، این است که شرایط فعال‌سازی تمامی امکانات، منابع مالی، سرمایه‌های انسانی و علمی کشور را در فعالیتهای اقتصادی فراهم کرده و در شرایط بحران‌های اقتصادی کنونی این سرمایه‌های عظیم مردمی را به سمت

و سوی تولید به جنبش در آورد، اما بپادشاهی این دست اهداف و راهبردها، بدون طراحی سازوکارهای مناسب از آن بسترسازی حضور مردم میسر نخواهد بود.»

■ **جمع‌بندی**

محمد مسعود نجفی قدسی، کارشناس مسائل اقتصادی نیز به «جوان» می‌گوید: «امروزه مشارکت مردم در همه عرصه‌ها به ویژه اقتصاد، یکی از اصول انقلاب اسلامی ایران است؛

موضوعی که به تعبیری از آن به عنوان مردمی کردن اقتصاد نام برده می‌شود. در سال‌های اخیر رهبر معظم انقلاب نیز بر اهمیت مشارکت واقعی مردم در اقتصاد



مردمی‌سازی اقتصاد را به عنوان مهم‌ترین اصل اقتصادی در نظر می‌گیرد. وی می‌گوید: «مشارکت مردم در همه عرصه‌ها به ویژه اقتصاد، یکی از اصول انقلاب اسلامی ایران است؛

موضوعی که به تعبیری از آن به عنوان مردمی کردن اقتصاد نام برده می‌شود. در سال‌های اخیر رهبر معظم

انقلاب نیز بر اهمیت مشارکت واقعی مردم در اقتصاد

تأکید فرمودند و ایشان در بیانات خود بارها زوایای مختلف از این موضوع را برای مسئولان نیز تبیین کردند.»

وی بیان می‌کند: «با گذشت بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب، ایران شاهد دستاوردها و پیشرفت‌های خوبی بوده است، اما از طرفی با مشکلات و چالش‌های اقتصادی بسیاری روبه‌رو بوده و این مسئله اهرم فشار را برای قدرت‌های استکباری فراهم ساخته است، به طوری که هر بار تحریر در صدد ضربه زدن بر ایران اسلامی بوده‌اند، از این رو باید با عملی کردن الگوی اقتصاد مقاومتی این اهرم‌های فشار را کنار زد.»

این کارشناس اقتصادی یکی از مهم‌ترین اصول اقتصاد مقاومتی را مردمی کردن اقتصاد برشمرد و گفت: «اگر مردمی کردن اقتصاد به نحو درست و بر اساس تفسیر رهبری تبیین، پیگیری و الگوسازی نشود، سایر مؤلفه‌ها و اصول اقتصاد مقاومتی مثل عدالت محوری، دانش بنیانی، مولد، پیشرو و... امکان تحقق ندارند.»

مدیر گروه اقتصاد پژوهشگاه گفت: خلق پول توسط بانک‌های خصوصی، بنگاهداری بانک‌های خصوصی، رباخواری و سوری‌سازی، عدالت محوری و توزیع عادلانه ثروت و اموری از این قبیل خط قرمزهای ما در عرصه اقتصاد مقاومتی هستند

■ **طراحی نقشه راه تشکل‌های مردم بنیان**

یوسفی با اشاره به فعالیت‌های مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی در محور مردمی تصریح کرد: بنا توجه به اتفاقات سال ۹۶ و ۹۷ ضمن دیدن با

تأکید فرمودند و ایشان در بیانات خود بارها زوایای مختلف از این موضوع را برای مسئولان نیز تبیین کردند.»

وی بیان می‌کند: «با گذشت بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب، ایران شاهد دستاوردها و پیشرفت‌های خوبی بوده است، اما از طرفی با مشکلات و چالش‌های اقتصادی بسیاری روبه‌رو بوده و این مسئله اهرم فشار را برای قدرت‌های استکباری فراهم ساخته است، به طوری که هر بار تحریر در صدد ضربه زدن بر ایران اسلامی بوده‌اند، از این رو باید با عملی کردن الگوی اقتصاد مقاومتی این اهرم‌های فشار را کنار زد.»

این کارشناس اقتصادی یکی از مهم‌ترین اصول اقتصاد مقاومتی را مردمی کردن اقتصاد برشمرد و گفت: «اگر مردمی کردن اقتصاد به نحو درست و بر اساس تفسیر رهبری تبیین، پیگیری و الگوسازی نشود، امکان تحقق سایر مؤلفه‌ها وجود ندارد.»

نجفی قدسی می‌افزاید: «یکی از خروجی‌های مردمی‌سازی اقتصاد این است که مردم احساس کنند در حوزه اقتصادی متولی هستند، چراکه «اقتصاد مردمی» اقتصادی است که در آن امکان نقش‌آفرینی وسیع، شفاف و تبعیض‌ناپذیر آحاد مردم یک جامعه متناسب با توانمندی هر یک از آنها را در راستای خلق ارزش اقتصادی و پیشرفت جامعه فراهم می‌آورد.»

این کارشناس اقتصادی در ادامه به مافیای اقتصادی نظام سرمایه‌داری به عنوان عامل بازدارنده در مشارکت مردم در اقتصاد اشاره می‌کند و می‌گوید: «مافیای اقتصادی

محصول سوءمدیریت در رفتار سازمانی و تفکر اقتصادی غلط دولت‌هاست که اساساً زمینه فساد را در آن اقتصاد

شکل می‌دهد و سازمان‌های مافیایی می‌توانند نقش بسزایی را در این اقتصادها بازی کنند. در دو دولت

گذشته تفکر نظام سرمایه‌داری حاکم بود و تیم اقتصادی دولت هم مروج لیبرال سرنسرمایه‌داری بود، به طوری که رسیدن تورم به نقطه‌ای بی‌سابقه و تضعیف روز به روز

اقتصاد ایران را در پی داشت.»

وی می‌گوید: «امروزه رشد و توسعه پایدار یک کشور در همه عرصه‌های داخلی و بین‌المللی جدای از برنامه‌ریزی‌های کلان دولتمردان، در گرو مشارکت و نقش مردم در تحقق سیاست‌های اقتصادی است، موضوعی که امروزه در چین قابل مشاهده است به گونه‌ای که دولتمردان این کشور برای نقش‌مشارکتی مردم اهمیت ویژه‌ای قائل هستند. در ایران تکیه بر مردم و ایجاد بستر حضور آنها در عرصه اقتصاد حتی می‌تواند به راحتی معضل مسکن کشور را حل نماید و نیز سطح تولید، اشتغال و رفاه عمومی را افزایش دهد.»

وی تصریح می‌کند: «وظیفه حکومت برای تحقق اقتصاد مردمی، این است که شرایط فعال‌سازی تمامی امکانات، منابع مالی، سرمایه‌های انسانی و علمی کشور را در فعالیتهای اقتصادی فراهم کرده و در شرایط بحران‌های اقتصادی کنونی این سرمایه‌های عظیم مردمی را به سمت

و سوی تولید به جنبش در آورد، اما بپادشاهی این دست اهداف و راهبردها، بدون طراحی سازوکارهای مناسب از آن بسترسازی حضور مردم میسر نخواهد بود.»

■ **جمع‌بندی**

محمد مسعود نجفی قدسی، کارشناس مسائل اقتصادی نیز به «جوان» می‌گوید: «امروزه مشارکت مردم در همه عرصه‌ها به ویژه اقتصاد، یکی از اصول انقلاب اسلامی ایران است؛

موضوعی که به تعبیری از آن به عنوان مردمی کردن اقتصاد نام برده می‌شود. در سال‌های اخیر رهبر معظم انقلاب نیز بر اهمیت مشارکت واقعی مردم در اقتصاد

تأکید فرمودند و ایشان در بیانات خود بارها زوایای مختلف از این موضوع را برای مسئولان نیز تبیین کردند.»

وی بیان می‌کند: «با گذشت بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب، ایران شاهد دستاوردها و پیشرفت‌های خوبی بوده است، اما از طرفی با مشکلات و چالش‌های اقتصادی بسیاری روبه‌رو بوده و این مسئله اهرم فشار را برای قدرت‌های استکباری فراهم ساخته است، به طوری که هر بار تحریر در صدد ضربه زدن بر ایران اسلامی بوده‌اند، از این رو باید با عملی کردن الگوی اقتصاد مقاومتی این اهرم‌های فشار را کنار زد.»

این کارشناس اقتصادی یکی از مهم‌ترین اصول اقتصاد مقاومتی را مردمی کردن اقتصاد برشمرد و گفت: «اگر مردمی کردن اقتصاد به نحو درست و بر اساس تفسیر رهبری تبیین، پیگیری و الگوسازی نشود، امکان تحقق سایر مؤلفه‌ها وجود ندارد.»

نجفی قدسی می‌افزاید: «یکی از خروجی‌های مردمی‌سازی اقتصاد این است که مردم احساس کنند در حوزه اقتصادی متولی هستند، چراکه «اقتصاد مردمی» اقتصادی است که در آن امکان نقش‌آفرینی وسیع، شفاف و تبعیض‌ناپذیر آحاد مردم یک جامعه متناسب با توانمندی هر یک از آنها را در راستای خلق ارزش اقتصادی و پیشرفت جامعه فراهم می‌آورد.»

این کارشناس اقتصادی در ادامه به مافیای اقتصادی نظام سرمایه‌داری به عنوان عامل بازدارنده در مشارکت مردم در اقتصاد اشاره می‌کند و می‌گوید: «مافیای اقتصادی

محصول سوءمدیریت در رفتار سازمانی و تفکر اقتصادی غلط دولت‌هاست که اساساً زمینه فساد را در آن اقتصاد

شکل می‌دهد و سازمان‌های مافیایی می‌توانند نقش بسزایی را در این اقتصادها بازی کنند. در دو دولت

گذشته تفکر نظام سرمایه‌داری حاکم بود و تیم اقتصادی دولت هم مروج لیبرال سرنسرمایه‌داری بود، به طوری که رسیدن تورم به نقطه‌ای بی‌سابقه و تضعیف روز به روز

اقتصاد ایران را در پی داشت.»

وی می‌گوید: «امروزه رشد و توسعه پایدار یک کشور در همه عرصه‌های داخلی و بین‌المللی جدای از برنامه‌ریزی‌های کلان دولتمردان، در گرو مشارکت و نقش مردم در تحقق سیاست‌های اقتصادی است، موضوعی که امروزه در چین قابل مشاهده است به گونه‌ای که دولتمردان این کشور برای نقش‌مشارکتی مردم اهمیت ویژه‌ای قائل هستند. در ایران تکیه بر مردم و ایجاد بستر حضور آنها در عرصه اقتصاد حتی می‌تواند به راحتی معضل مسکن کشور را حل نماید و نیز سطح تولید، اشتغال و رفاه عمومی را افزایش دهد.»

وی تصریح می‌کند: «وظیفه حکومت برای تحقق اقتصاد مردمی، این است که شرایط فعال‌سازی تمامی امکانات، منابع مالی، سرمایه‌های انسانی و علمی کشور را در فعالیتهای اقتصادی فراهم کرده و در شرایط بحران‌های اقتصادی کنونی این سرمایه‌های عظیم مردمی را به سمت

و سوی تولید به جنبش در آورد، اما بپادشاهی این دست اهداف و راهبردها، بدون طراحی سازوکارهای مناسب از آن بسترسازی حضور مردم میسر نخواهد بود.»

■ **جمع‌بندی**

محمد مسعود نجفی قدسی، کارشناس مسائل اقتصادی نیز به «جوان» می‌گوید: «امروزه مشارکت مردم در همه عرصه‌ها به ویژه اقتصاد، یکی از اصول انقلاب اسلامی ایران است؛

موضوعی که به تعبیری از آن به عنوان مردمی کردن اقتصاد نام برده می‌شود. در سال‌های اخیر رهبر معظم

انقلاب نیز بر اهمیت مشارکت واقعی مردم در اقتصاد

تأکید فرمودند و ایشان در بیانات خود بارها زوایای مختلف از این موضوع را برای مسئولان نیز تبیین کردند.»

وی بیان می‌کند: «با گذشت بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب، ایران شاهد دستاوردها و پیشرفت‌های خوبی بوده است، اما از طرفی با مشکلات و چالش‌های اقتصادی بسیاری روبه‌رو بوده و این مسئله اهرم فشار را برای قدرت‌های استکباری فراهم ساخته است، به طوری که هر بار تحریر در صدد ضربه زدن بر ایران اسلامی بوده‌اند، از این رو باید با عملی کردن الگوی اقتصاد مقاومتی این اهرم‌های فشار را کنار زد.»

این کارشناس اقتصادی یکی از مهم‌ترین اصول اقتصاد مقاومتی را مردمی کردن اقتصاد برشمرد و گفت: «اگر مردمی کردن اقتصاد به نحو درست و بر اساس تفسیر رهبری تبیین، پیگیری و الگوسازی نشود، امکان تحقق سایر مؤلفه‌ها وجود ندارد.»

نجفی قدسی می‌افزاید: «یکی از خروجی‌های مردمی‌سازی اقتصاد این است که مردم احساس کنند در حوزه اقتصادی متولی هستند، چراکه «اقتصاد مردمی» اقتصادی است که در آن امکان نقش‌آفرینی وسیع، شفاف و تبعیض‌ناپذیر آحاد مردم یک جامعه متناسب با توانمندی هر یک از آنها را در راستای خلق ارزش اقتصادی و پیشرفت جامعه فراهم می‌آورد.»

این کارشناس اقتصادی در ادامه به مافیای اقتصادی نظام سرمایه‌داری به عنوان عامل بازدارنده در مشارکت مردم در اقتصاد اشاره می‌کند و می‌گوید: «مافیای اقتصادی

محصول سوءمدیریت در رفتار سازمانی و تفکر اقتصادی غلط دولت‌هاست که اساساً زمینه فساد را در آن اقتصاد

شکل می‌دهد و سازمان‌های مافیایی می‌توانند نقش بسزایی را در این اقتصادها بازی کنند. در دو دولت

گذشته تفکر نظام سرمایه‌داری حاکم بود و تیم اقتصادی دولت هم مروج لیبرال سرنسرمایه‌داری بود، به طوری که رسیدن تورم به نقطه‌ای بی‌سابقه و تضعیف روز به روز

اقتصاد ایران را در پی داشت.»

وی می‌گوید: «امروزه رشد و توسعه پایدار یک کشور در همه عرصه‌های داخلی و بین‌المللی جدای از برنامه‌ریزی‌های کلان دولتمردان، در گرو مشارکت و نقش مردم در تحقق سیاست‌های اقتصادی است، موضوعی که امروزه در چین قابل مشاهده است به گونه‌ای که دولتمردان این کشور برای نقش‌مشارکتی مردم اهمیت ویژه‌ای قائل هستند. در ایران تکیه بر مردم و ایجاد بستر حضور آنها در عرصه اقتصاد حتی می‌تواند به راحتی معضل مسکن کشور را حل نماید و نیز سطح تولید، اشتغال و رفاه عمومی را افزایش دهد.»

وی تصریح می‌کند: «وظیفه حکومت برای تحقق اقتصاد مردمی، این است که شرایط فعال‌سازی تمامی امکانات، منابع مالی، سرمایه‌های انسانی و علمی کشور را در فعالیتهای اقتصادی فراهم کرده و در شرایط بحران‌های اقتصادی کنونی این سرمایه‌های عظیم مردمی را به سمت

و سوی تولید به جنبش در آورد، اما بپادشاهی این دست اهداف و راهبردها، بدون طراحی سازوکارهای مناسب از آن بسترسازی حضور مردم میسر نخواهد بود.»

■ **جمع‌بندی**

محمد مسعود نجفی قدسی، کارشناس مسائل اقتصادی نیز به «جوان» می‌گوید: «امروزه مشارکت مردم در همه عرصه‌ها به ویژه اقتصاد، یکی از اصول انقلاب اسلامی ایران است؛

موضوعی که به تعبیری از آن به عنوان مردمی کردن اقتصاد نام برده می‌شود. در سال‌های اخیر رهبر معظم

انقلاب نیز بر اهمیت مشارکت واقعی مردم در اقتصاد

تأکید فرمودند و ایشان در بیانات خود بارها زوایای مختلف از این موضوع را برای مسئولان نیز تبیین کردند.»

وی بیان می‌کند: «با گذشت بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب، ایران شاهد دستاوردها و پیشرفت‌های خوبی بوده است، اما از طرفی با مشکلات و چالش‌های اقتصادی بسیاری روبه‌رو بوده و این مسئله اهرم فشار را برای قدرت‌های استکباری فراهم ساخته است، به طوری که هر بار تحریر در صدد ضربه زدن بر ایران اسلامی بوده‌اند، از این رو باید با عملی کردن الگوی اقتصاد مقاومتی این اهرم‌های فشار را کنار زد.»

این کارشناس اقتصادی یکی از مهم‌ترین اصول اقتصاد مقاومتی را مردمی کردن اقتصاد برشمرد و گفت: «اگر مردمی کردن اقتصاد به نحو درست و بر اساس تفسیر رهبری تبیین، پیگیری و الگوسازی نشود، امکان تحقق سایر مؤلفه‌ها وجود ندارد.»

نجفی قدسی می‌افزاید: «یکی از خروجی‌های مردمی‌سازی اقتصاد این است که مردم احساس کنند در حوزه اقتصادی متولی هستند، چراکه «اقتصاد مردمی» اقتصادی است که در آن امکان نقش‌آفرینی وسیع، شفاف و تبعیض‌ناپذیر آحاد مردم یک جامعه متناسب با توانمندی هر یک از آنها را در راستای خلق ارزش اقتصادی و پیشرفت جامعه فراهم می‌آورد.»

این کارشناس اقتصادی در ادامه به مافیای اقتصادی نظام سرمایه‌داری به عنوان عامل بازدارنده در مشارکت مردم در اقتصاد اشاره می‌کند و می‌گوید: «مافیای اقتصادی

محصول سوءمدیریت در رفتار سازمانی و تفکر اقتصادی غلط دولت‌هاست که اساساً زمینه فساد را در آن اقتصاد

شکل می‌دهد و سازمان‌های مافیایی می‌توانند نقش بسزایی را در این اقتصادها بازی کنند. در دو دولت

گذشته تفکر نظام سرمایه‌داری حاکم بود و تیم